

از سری «خودکاوی»

---

## عصیت و رشد آدمی

تلاش در بازیافتن اصالت خود

---

رشد آتش و تبخیر

رشد و نیت

لحمه شعبه نموده: خودیته

اثر: کارن هورنای

ترجمه: محمد جعفر مصفا

با مقدمه ا. خواجه نوری

نویسنده: ۰۰۰۵۲

تعداد صفحات: ۱۰۰

۸۷۶-۲۶۶-۱۷۶۹۹-۹۰-۵۰۰



۸۸۸۰۹۷۷۵۶۸۸

۹۷۷۷۰

۸۸۸۰۹۷۷۵۶۸۸

۹۷۷۷۰

www.befajrbookshop.ir  
www.befajrapublication.com

۷۹۱ چشمه رامه  
بجمله ۲۶

۷۹۲ خواجہ نوری  
بجمله ۲۶

۱۲۲

اگر کارن مورخای زنده بود من به او پیشنهاد میکردم که کتاب  
با ۱۰۰۰ درشت بنویسد «تذکره» بر خویش کند هر که بخواند

عنوان این اثر نفس را خود مآلف «عصیت و رشد» نامیده است. این  
عنوان ۱۷۲۷۱۰۰۰ فارسی زبان را به زبان فارسی برگردانده است.

### فهرست

از زندگانی است جلب نمی کند عنوان «مدرسه» نامیده است و

مقدمه ۱. خواجہ نوری ۷

فصل اول ۱۱

تلاش برای کسب جلال و عظمت

فصل دوم ۳۹

توقعات و انتظارات عصبی

فصل سوم ۵۷

بلای «باید»

فصل چهارم ۸۳

غرور عصبی

فصل پنجم ۱۱۷

عناد به خود و خواری طلبی

فصل ششم ۱۴۳

بیگانگی با خود

فصل هفتم ۱۵۹

تسکین هیجان و اضطراب



فصل هشتم

بر تری طلبی

۱۶۷

فصل نهم

مهر طلبی

۱۹۷

فصل دهم

اتکاء عصبی یا عشق بدلی

۲۲۱

فصل یازدهم

عزت طلبی

۲۴۱

فصل دوازدهم

تأثیر عصبیت در روابط انسانی

۲۷۱

فصل سیزدهم

تأثیر عصبیت در کار

۲۹۳

فصل چهاردهم

طریق روانکاوی

۳۰۹

۷۵

۷۸

۷۱۱

۷۹۱

۷۵۱

نویسنده: دکتر سید علی حسینی  
موضوع: روانشناسی و طب  
مقدمه: این کتاب به بررسی رابطه بین روانشناسی و طب می‌پردازد و به توضیح دلایل علمی این ارتباط می‌پردازد.

مقدمه ا. خواجه نوری

اگر کارن هورنای زنده بود من به او پیشنهاد می‌کردم در بالای کتاب با حروف درشت بنویسد: «ظلم بر خویش کند هر که نخواند ما را». عنوان این اثر نفیس را خود مؤلف «عصبیت و رشد انسانی» گذاشته. این عنوان خوانندگان فارسی زبان را به اندازه‌ای که شایسته یک چنین کتاب ارزنده‌ای است جلب نمی‌کند. عنوان «طریقۀ رفع آفت‌های خوشبختی و رشد شخصیت» - که منظور واقعی نویسنده این کتاب است - مناسب‌تر به نظر می‌آید. چون درباره خوشبختی و رشد شخصیت مطلب مهمی را که اکثر اشخاص به درستی توجه ندارند این است که خداوند وجود انسان را طوری ساخته که خود به خود «باید» رشد کند و «باید» فضایل انسانی و نیروی معنویتش قوت گیرد - عیناً همانطور که اگر نهال گلی را در باغچه بکارید خاصیت طبیعی‌اش این است که خود به خود محکوم است رشد نماید و به گل بنشیند. به عبارت دیگر همانطور که همه می‌دانند اگر غذای لازم را به بوته گل برسانید و آفت‌های آن از قبیل شته و کرم و صدها علف هرزه آن را دفع کنید، بوته گل به حکم قوه نامیه طبیعی خود به طور خودکار ناچار است رشد نماید؛ خوشبختانه نیروی معنوی انسان هم عیناً همین‌طور است. یعنی کفایت آفت‌های آن را که در این کتاب به خوبی توضیح داده شده رفع کنیم و آن وقت بگذاریم فضایل انسانی، یعنی همان‌هایی که مستقیماً ما را به سوی خوشبخت‌تر ساختن خود و دیگران می‌کشاند خود به خود رشد کند.

نویسنده: دکتر سید علی حسینی  
موضوع: روانشناسی و طب



در اینجا برای اینکه خوانندگان منظورم را از «فضایل انسانی» روشن ببینند و در پیچ و خم مباحث مختلف اخلاقیات سردرگم نشوند، باید عرض کنم که به نظر من پایه‌هایی که تمام فضایل اخلاق عالی انسان بر روی آن قرار دارد سه تا بیشتر نیستند: اول استعداد و میل دوست داشتن - دوم استعداد و میل آموختن - و سوم استعداد و میل خلاقیت. و این هر سه در کودک سالم آدمیزاد، که نمونه طبیعی و واقعی یک انسان است، به خوبی دیده می‌شود: اول، بچه نسبت به هر انسانی که ازش نترسد مایل به داد و ستد محبت است. دوم، بچه دائم سؤال می‌کند و به آموختن بیشتر علاقه نشان می‌دهد. و سوم، می‌بینید به محض اینکه کاغذ و مدادی به دستش بدهید می‌کوشد شکلی بیافریند و میل خلاقیت خود را ظاهر کند. ولی متأسفانه اکثراً رفتار ناشیانه پدر و مادر و محیط خانوادگی (در ایام کودکی) و بعد مدرسه (در ایام نوجوانی و جوانی) و در آخر محیط جامعه (در دوره بزرگی) صدها آفت به جان نیروی معنویت (که در اصطلاح ما همان فضایل اخلاقی است) می‌اندازند و آن وقت روحیه او را طوری می‌سازند که این سه عامل اصلی رشد و خوشبختی، یعنی میل محبت و آموختن و خلاقیت، یا به بیراهه می‌روند یا به کلی ترمز می‌شوند. عموماً همه ما به‌عنوان بچه‌ها، بیشترین را به خود می‌مالیم. عوامل اصلی ایجادکننده تمام این آفت‌ها که آدمیزاد را به انواع رذائل می‌کشاند، (مأیوسش می‌کند به خیل و کینه توزش می‌سازد خسیس و تنبل و بدبین و شقی و شهوترانش می‌نماید و غیره و غیره) دو چیز بیشتر نیست: یکی غرور است و دوم عناد به خود - که آن هم چنان که در این کتاب خواهید دید در نهایت از غرور ناشی می‌شود. منطقی است که به‌عنوان بچه‌ها، بیشترین را به خود می‌مالیم. رجحانی که نوشته‌های دکتر کارن هورنای بر اکثر روانشناسان دارد این است که سلاست و روانی عبارات و شاهد مثال‌هایی که از زندگی

روزمره خودتان می‌آورد به طوری رموز پیچیده روانی را ساده و روشن می‌سازد که وحشتی را که معمولاً مردم عادی از اسم اسرارآمیز روانشناسی در دل دارند از دل می‌زداید و خواننده را با میل و رغبت بیشتری وامی‌دارد به این علمی که بدون تردید، مهم‌ترین عامل خوشبخت ساختن بشر است توجه کند.

به علت اهمیت و ارزش زیادی که برای نوشته‌های هورنای قائلم ترجمه این کتاب را قبل از انتشار مرور کردم. به نظرم مترجم به خوبی و با صداقت از عهده برگرداندن منظور هورنای به فارسی برآمده و از این حیث شایان تقدیر است.

۱. خواجه نوری